گفت‌وگوی «جوان» با همرزم شهید محمود کاوه به مناسبت سالروز شهادتش در ۱۱ شهریور ۱۳۶۵

غنیمتی کاوه از امریکایی‌ها در لشکر ویژه شهدا استفاده می‌شد

■ علیرضا محمدی

سردار شهید محمود کاوه فرمانده لشکر ویژه شهدا در ۱۱ شهریورماه ۱۳۶۵ طی عملیات کربلای ۲ به شهادت رسید. او در سال ۶۲ فرماندهی لشکری را برعهده گرفت که کمر ضد انقلاب را در کردستان شکست و امنیت را چنان در این خطه از کشورمان برقرار کرد که قرار شد لشکر ویژه شهدا به عملیات جنوب نیز ارسال شود. نام حاج محمود کاوه برای ضدانقلاب تداعی‌کننده ترس و وحشت بود و برای مردم کردستانات، منادی امنیت و آرامش. در سالروز شهادت این سردار رشید جبهه‌ها، در گفت‌وگویی که با محمدرضا رحمانی از همرزمان شهید داشتیم، سعی کردیم زندگی جهادی حاج محمود پیش از دفاع مقدس و مقطع حضورش در کردستان را بیشتر مد نظر قرار بدهیم.

شهید کاوه (مرکز تصویر) در جمع نیروهای لشکر ویژه شهدا

آشنایی شما با شهید کاوه به چه زمانی برمی‌گردد؟

من پیش از انقلاب با ایشان آشنا شدم. البته این آشنایی چهره به چهره نبود. هر دوی ما در یک مجموعه انقلابی زیر نظر بزرگانی چون مقام معظم رهبری، شهید هاشمی‌نژاد و شهید کامیاب فعالیت می‌کردیم. آن مقطع اسم شهید کاوه را شنیده بودم، اما هنوز از نزدیک ایشان را ملاقات نکرده بودم. هر دوی ما از بچه‌های انقلابی مرتبط با مسجد کرامت بودیم. حضرت آقا مدتی پیش‌نماز این مسجد بودند و شهید کاوه هم از شاگردان و تربیت‌یافتگان مکتب ایشان بودند.

یعنی حضرت آقا شهید کاوه را از دوران نوجوانی‌شان می‌شناختند؟

حتی قبل از آن. آقا زمانی امام جماعت مسجد امام حسن مجتبی(ع) در شهر مشهد بودند. پدر شهید کاوه و خود حاج محمود از سنین خردسالی به این مسجد می‌رفتند. نقل است که یکبار پدر حاج محمود به مسجد و پای منبر حضرت آقا می‌رود، آقا می‌بیند محمود همراهش نیست. می‌پرسند چرا پسرتان را نیاورده‌اید؟ ایشان می‌گوید محمود دم حجره است. آقا هم می‌گوید بهتر است خود شما به حجره بروید و محمود را به مسجد بفرستید. شهید کاوه از شش سالگی به دروس مکتبی و حوزوی علاقه نشان می‌دهد. بعدها چهار سالی هم طلبه بودند. حضرت آقا به پدرشان توصیه می‌کنند که بهتر است محمود ابتدا درس‌های روز را بخوانند و بعد به حوزه بروند. خلاصه اینکه مقام معظم رهبری، شهید کاوه را از دوران کودکی‌اش می‌شناختند. این جمله معروفی از رهبری است که فرموده‌اند: «محمود زمان انقلاب شاگرد ما بود اما حالا استاد ما شد.»

در این گفت‌وگو بیشتر دوست داریم خط سیری را که شهید کاوه در میدان جهاد طی کردند، تعقیب کنیم، اولین میدانی که ایشان ورود کردند چه بود؟

اولین مورد همان بحث فعالیت‌های انقلابی بود که عرض کردم. ایشان در محضر حضرت آقا و افرادی چون شهید هاشمی‌نژاد حضور داشتند. اما بعد از پیروزی انقلاب و ورود به سپاه، اولین میدانی که کاوه وارد شد، بحث غائله گنبد بود. (غائله دوم گنبد) اسفند ماه ۵۸ شهید کاوه به همراه افرادی چون شهید بابا نظر، شهید بابا رستمی، شهید دادگر و چندین نفر از رزمندگان مشهدی به گنبد می‌روند. فرمانده گروه اعزامی شهید بابا رستمی بود و شهید کاوه هم به نظرم فرمانده یکی از گروه‌هان‌ها بود. بنده قبل و بعد از حضور این گروه به گنبد رفتم. چون آن مقطع درگیر درس‌های دبیرستان بودم. به هرحال گروه شهید بابا رستمی به گنبد می‌روند و آنجا واقعاً تأثیرگذار می‌شوند. مثلاً در یک مورد که بچه‌ها خاطره‌اش را تعریف کرده‌اند، شهید بابانظر به یک خانه می‌رود و احساس می‌کند کف خانه خالی است. آنجا را بازرسی می‌کنند و متوجه یک زیرزمین مخفی می‌شوند. در زیرزمین انبار اسلحه ضد انقلاب کشف می‌شود. همین طور یک پیرمردی که استاد دانشگاه بود و به گروهک‌ها خط فکری می‌داد در همان زیرزمین دستگیر می‌شود. وقتی رزمنده‌ها پیروز می‌شوند و ضدانقلاب را از گنبد فراری می‌دهند، شهید کاوه اذان وحدت شیعه و سنی را در محل دفن کیکاووس بن وشمگیر می‌گوید و همانجا نماز جماعت با شکوهی با مشارکت اهالی گنبد اعم از شیعه و سنی و همینطور رزمنده‌ها برپا می‌شود. گروه بچه‌های مشهد که کاوه هم همراهشان بود شب ۱۳ فروردین سال ۵۹ به مشهد برمی‌گردند. روز سیزدهم متوجه می‌شوند تعداد زیادی از مردم در گردنه بدرانلو اسیر برف و کولاک شده‌اند. کمک می‌کنند و مردم را از آن وضعیت خلاص می‌کنند. خود شهید کاوه در این ماجرا خدمت‌رسانی زیادی می‌کند و جان تعداد زیادی از مردم را نجات می‌دهد.

عمدتاً از فعالیت‌های شهید کاوه در کردستان شنیده‌ایم، چه زمانی به آنجا رفتند؟

دومین میدانی که شهید کاوه به آن ورود کرد، ماجرای حمله نظامی امریکا به طبس و شکست مفتضحانه‌شان بود. بعد از انتشار خبر حضور امریکایی‌ها، شهید کاوه سریع یک اکیپ از بچه‌ها را با دو جیپ آهو از مرکز آموزشی مشهد برمی‌دارد و به طبس می‌رود. از آنجایی که امریکایی‌ها تسلیحات زیادی جا گذاشته بودند، شهید کاوه غنیمت زیادی با خودش به مشهد آورد. از موتورسیکلت گرفته تا تیربارهایی که بعدها در لشکر ویژه شهدا از آنها استفاده شد و همینطور چند دوربین و... با خودش می‌آورد. فانوسقه‌ای هم که خود شهید کاوه از آن استفاده می‌کرد، از غنیمتی‌های طبس بود. بعد از ماجرای طبس، حاج محمود یک مدتی به عنوان محافظ به بیت امام رفت و چند ماهی آنجا بود. از آبان سال ۵۹ کاوه به کردستان رفت.

از دوران حضور شهید کاوه در بیت حضرت امام خیلی صحبت نشده است. چه خاطراتی از حضور ایشان در بیت امام وجود دارد؟

خاطره جالبی که از حضور شهید کاوه در بیت امام مطرح است، مربوط به شیفت نگهبانی ایشان می‌شود. آنجا شهید کاوه همیشه شیفت نگهبانی بین ساعت ۱۲ تا چهار صبح را انتخاب می‌کرده است. سنگری که ایشان در آنجا نگهبانی می‌داد، مشرف به محلی بود که حضرت امام شب‌ها بین ساعت دو تا چهار صبح آنجا نماز شب می‌خواندند و عبادت می‌کردند. از همانجا حاج محمود عبادت‌های خالصانه حضرت امام را می‌دید و به عشق ایشان، هر شب آنجا حاضر می‌شد. کم کم دیگر بچه‌ها متوجه این موضوع می‌شوند و آنها هم درخواست می‌کنند که شیفت نگهبانی ساعت مورد نظر را داشته باشند. بعد از آن شهید کاوه تصمیم می‌گیرد که به کردستان برود. یکی از آخرین کارهایی که ایشان در بیت امام انجام می‌دهد، مسدود کردن راه‌هایی بود که از طریق قنات به بیت امام می‌رسید. حتماً می‌دانید که قناتی به زیر بیت امام در جماران می‌رسد. بیم می‌رفت که منافقین از طریق این قنات مواد منفجره تا ساختمان بیت انتقال بدهند. شهید کاوه به همراه شعبان وفایی که از همرزمانشان بود می‌روند و ورودی‌های این قنات را با تور فلزی می‌پوشانند و با میلگرد جوش می‌زنند تا حسابی محکم بشود. بعد ایشان با دعای خیر حضرت امام از بیت می‌رود و در آبان سال ۵۹ راهی کردستان می‌شود.

> شهید کاوه غنیمت زیادی از طبس با خودش به مشهد آورد. از موتورسیکلت گرفته تا تیربارهایی که بعدها در لشکر ویژه شهدا از آنها استفاده شد و همینطور چند دوربین و... آورد. فانوسقه‌ای هم که خود شهید کاوه از آن استفاده می‌کرد، از غنیمت امریکایی‌ها بود

مقطع کردستان بخش مهمی در زندگی جهادی شهید کاوه است. اولین جایی که ایشان وارد آن شدند، کدام شهر بود؟

حاج محمود ابتدا به سقز می‌رود. سقز یک موقعیت خاصی در کردستان داشت. هم از حیث شدت آلودگی به وجود ضد انقلاب و هم از حیث موقعیت این شهر که یک موقعیت استراتژیکی در خطه کردستانات داشت. اگر ما بخواهیم وجود گروهک‌ها و ضدانقلاب در کردستان را به یک اژدهای دوسری تشبیه کنیم، یک سر این اژدها در محور بانه- سردشت بود و سر دیگرش در محور سردشت- پیرانشهر. ستون فقرات این اژدها هم در سقز بود. قبل از شهید کاوه، شهید بابا رستمی به همراه یک گروه ۳۰۰ نفره به آنجا رفته بودند. یک مقطعی این گروه در چنان وضعیت بغرنجی قرار می‌گیرد که ضدانقلاب به آنها می‌گویند سلاح‌هایتان را بدهید تا در امان بمانید. اما شهید بابا رستمی می‌گوید می‌جنگیم و ذلت نمی‌پذیریم. قصد من از گفتن این ماجرا، شرح وضعیت وخیم سقز است. کاوه با یک گروه ۲۰ نفره از مشهد به سقز می‌رود. وقتی وارد آنجا می‌شود به ضد انقلاب اعلام می‌کند اگر شما با سلاح کمری به ما شلیک کردید، ما با کلاشنیکف جوابتان را می‌دهیم. اگر با کلاش زدید، با ژ.۳ پاسخ می‌دهیم. اگر با ژ.۳ زدید، با مسلسل جواب می‌دهیم و... در عمل هم این تهدید را به اجرا می‌گذارد. من خیلی گشتم ببینم این استراتژی کاوه از کجا اقتباس شده است. از چریک‌های ویتنامی؟ از مبارزان کوبایی یا... خیلی گشتم و بعدها متوجه شدم این جملات شهید کاوه از نهج‌البلاغه مولاعلی(ع) است. در کلمات قصار ۳۱۴ نهج‌البلاغه می‌خوانیم: «سنگ را از هر سوراخی پرتاب شد باید به همان سوراخ برگرداند که شر را جز شر پاسخی نیست.» همین استراتژی شهید کاوه با شم بالای نظامی ایشان است که باعث می‌شود سقز خیلی زودتر از آنچه انتظارش را می‌رفت از لوث وجود ضدانقلاب پاک بشود و حتی خود شهید کاوه به همراه یک نفر دیگر، فرمانده ضد انقلاب حاضر در سقز را تا کیلومترها خارج از شهر تعقیب می‌کند.

خود شما از همین مقطع کردستان بیشترین ارتباط را با شهید کاوه داشتید؟

بله، من سال ۶۰ به کردستان رفتم. قبل از آن چون در شورای فرماندهی سپاه در مشهد بودم و بیشتر کارهای سیاسی و فرهنگی انجام می‌دادیم، اجازه رفتن به جبهه به بنده نمی‌دادند. اما سال ۶۰ به هر ترتیبی بود به جبهه اعزام شدم. اول قرار بود برای شرکت در عملیات طریق‌القدس به جنوب برویم. پنج گردان از خراسان رفتیم، یکسری از گردان‌ها در جنوب از آنها استفاده شد و گردان ما را به کرمانشاه فرستادند و از آنجا هم ما را به کردستان اعزام کردند. زمانی که ما وارد منطقه شدیم، اوضاع سقز آرام شده بود. شهید کاوه برای تشکیل گردان ویژه کوهستان به اتفاق عبدی‌فرد به تهران رفته بودند تا مقدمات تشکیل گردان را فراهم کنند. چون در نبود کاوه، ضدانقلاب جسارت پیدا می‌کرد. ما در منطقه بودیم تا اوضاع را آرام نگه داریم. بعد از تشکیل گردان ویژه، شهید کاوه روی محور بانه- سردشت تمرکز کرد. در این محور قبلاً بزرگانی چون امیر شهرام‌فر به شهادت رسیده بود و شهید صیاد شیرازی نیز در همانجا مجروح شده بود. تلاش‌های زیادی برای پاکسازی این محور صورت گرفته بود که همگی با شکست رو به رو شده بودند. وقتی قرار شد این جاده آزاد شود، گردان ما از سقز حرکتش را آغاز کرد. شهید کاوه و شهید بروجردی و شهید گنجی‌زاده، عبدی و... هم با گردان ویژه کردستان وارد عمل شدند. گردان ما توانست تا کیلومتر ۳۰ جاده را پاکسازی کند. گردان ویژه هم ۳۰ کیلومتر باقی مانده را پاکسازی کردند. تا اینجای کار شهید کاوه توانسته بود با اتفاق همرزمانی چون شهید بروجردی و قمی و ناصر کاظمی و عبدی و گنجی‌زاده و دیگر بزرگان، یک سر اژدهای ضد انقلاب در کردستان را که محور بانه- سردشت بود از بین ببرد. قبل از آن هم که کاوه توانسته بود ضربات کاری به ستون فقرات این اژدها در سقز وارد کند. سوم اردیبهشت سال ۶۱ جاده بانه - سردشت آزاد شد.

> مقام معظم رهبری، شهید کاوه را از دوران کودکی‌اش می‌شناختند. ایشان استاد کاوه در مسجد امام حسن مجتبی و مسجد کرامت بودند. این جمله معروفی از رهبری است که فرموده‌اند: «محمود زمان انقلاب شاگرد ما بود، اما حالا استاد ما شد.»

یک فتح‌الفتوحی بود. فتح خرمشهری بود برای خودش. در پاکسازی بانه- سردشت، در یک نقطه‌ای با چوپان پیری رو به رو می‌شوند که خودش را به ناآگاهی زده بود. شهید کاوه آدم باهوش و تیزی بود. می‌گوید این آدم حتماً چیزی می‌داند وگرنه در چنین موقعیتی اینجا چه می‌کند. به دستور کاوه همه اطراف را به دقت می‌گردند و به تله انفجاری در پل ربط می‌رسند. اگر این پل منفجر می‌شد، نیروها در آنجا تجمع می‌کردند و ضد انقلاب با خمپاره‌باران منطقه، تلفات زیادی به بچه‌ها وارد می‌کرد. اما هوش بالای شهید کاوه مانع از این اتفاق می‌شود.

اهتمام شهید کاوه برای مبارزه با ضد انقلاب، چه بازتابی در میان خود آنها داشت؟

خوب است این موضوع را با یک خاطره برایتان بیان کنم. بعد از آزادسازی محور بانه- سردشت، بچه‌های گردان ویژه سراغ سد بوکان می‌روند و آنجا را هم آزاد می‌کنند. آنجا بچه‌ها می‌بینند که ضد انقلاب در ورودی سد، نام محمود کاوه را نوشته‌اند. یعنی اگر کسی می‌خواست وارد سد بشود، باید از روی نام کاوه رد می‌شد! این مسئله نشان می‌دهد که ضدانقلاب چقدر از شهید کاوه می‌ترسید و چه میزان از او تنفر داشت که حتی از نامش هم نمی‌گذشت. بعد از آزادسازی سد بوکان، تیپ ویژه شهدا رسماً تشکیل شد. همانطور که شهید کاوه گفته بود، این تیپ می‌تواند محور پیرانشهر - پاوه را در عرض سه ماه آزاد کند و به این ترتیب، شهید محمود کاوه دومین سر اژدهای ضد انقلاب در کردستان را قطع می‌کند و وقتی که خودش فرمانده تیپ ویژه شهدا می‌شود، نبرد را تا بیرون راندن گروهک‌ها و ضد انقلاب از کردستان ادامه می‌دهد. حتی دشمن را تا داخل خاک عراق تعقیب می‌کند و قله ۲۵۱۹ که از آنجا سردشت زیر تیر عراق بود را آزاد می‌کند. همه این موفقیت‌ها از همت والای مردی نشئت می‌گرفت که خودش می‌گفت: من فرزند کردستانم.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۲۹۱

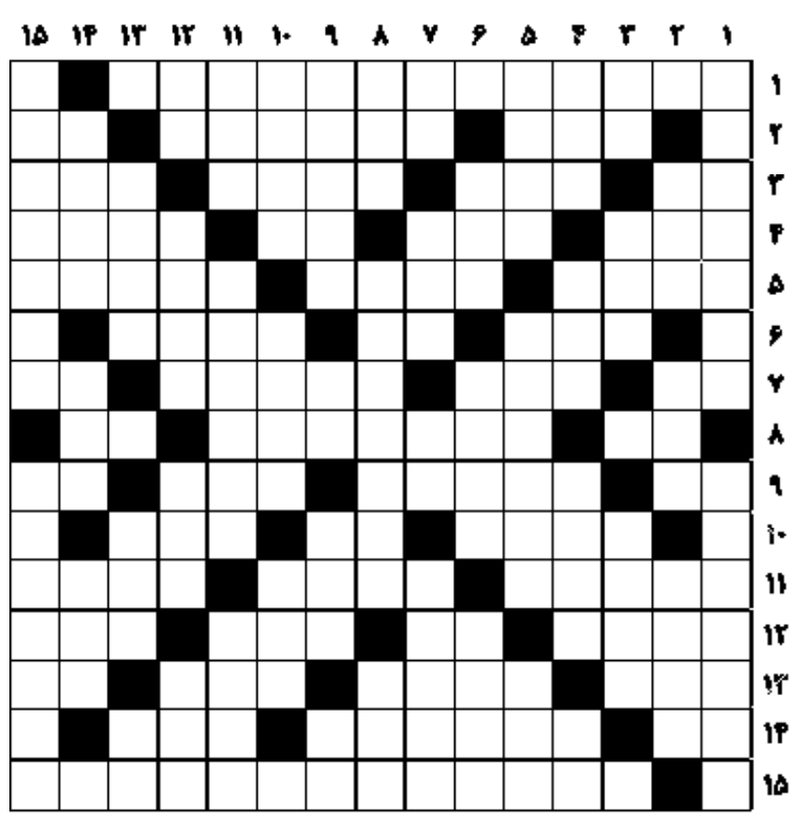

از راست به چپ

۱- موسس سلسله صفاریان ■ ۲- هر نوع پرنده- دوستی و رفت و آمد- بنده و شما ■ ۳- مادر لر- کیف ورزشی- خراب و دور انداختنی- گرداگرد اماکن مقدس ■ ۴- متعصب- صندلی دوچرخه- تکرارش آواز سگ است- موش خرما ■ ۵- مرکز مرکزی- کالابرگ- دوازده عدد ■ ۶- دوری از یار- یک و یک- پول کامبوج ■ ۷- تفاله کنجد- عنصر مقدس نزد زرتشتیان- چیزهای دور ریختنی- کدبانوی خانه ■ ۸- مخالف- مکتب سیاسی مبتنی بر خودخواهی و خودپرستی- ابزار زمین شویی ■ ۹- ناشنوا- زرشک- بوستان و روضه- گرمی هوا ■ ۱۰- چاپار- پول ژاپن- بهشت ■ ۱۱- موش صحرایی بزرگ- معاینه کامل - بافنده و نساج ■ ۱۲- اسلحه شمشیربازی- گیم نشده- غذای رقیق- نام قدیم سوریه ■ ۱۳- راه آذری- تعظیم- درخت قالی بافی- درخت انگور ■ ۱۴- قورباغه درختی- تخمین زدن- طاقت و حوصله ■ ۱۵- منشی و تاریخ نگار برجسته دوره صفوی صاحب کتاب عالم آرای عباسی

از بالا به پایین

■ ۱- تذکره- مجموعه و دسته هنری ■ ۲- کلمه شرط- از انبیای الهی- تغار چوبی یا گلی ■ ۳- شهر ایستاده- جراغ آسمان- شهری در مازندران ■ ۴- مهار شتر- پرسش از مکان- خطای رایانه‌ای- کافی ■ ۵- گودال- نوعی دستگاه چاپ- بلدرچین ■ ۶- شیرینی تولد- فن وطرز عمل- پربها ■ ۷- دریا- اسباب معاش- گشوده- پل صراط به عقیده زرتشت ■ ۸- خاک نمناک- اولین فرش بافته شده موجود در دنیا- پاره آتش ■ ۹- از وسایل نظافت- حرف فقدان- سوره مردم- خرس آسمانی ■ ۱۰- سکسکه- بازاری- مکمل تار ■ ۱۱- زینت انسان- مترجم- ضدحمله ■ ۱۲- طریق کوتاه- غذای زندانیان- ناز و کرشمه - اهلی و دست آموز ■ ۱۳- نیاز- در طاعت بی طاقت و بی توش چرائی/ای گاه ستمکاری با طاقت و با ...- ریشه ■ ۱۴- تشکر فرانسوی- روغن زیتون- شیشه آزمایشگاه ■ ۱۵- کنایه از مقام و ثروت است- آفت دانش

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۳			۸				۲
								۴
۱				۳	۶			
۸						۳	۹	
۷	۱	۶						
			۷	۴	۸			
				۵				
۶		۷				۸		
		۵				۷	۱	

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۶۲۹۰

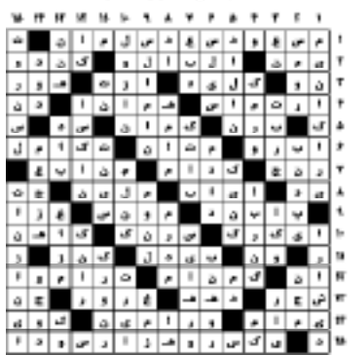

۱	۸	۱	۷	۶	۱	۴	۸	۶
۶	۴	۷	۱	۸	۴	۴	۶	۸
۸	۴	۶	۸	۶	۴	۱	۷	۴
۱	۸	۴	۷	۴	۸	۴	۶	۶
۷	۶	۴	۴	۴	۶	۸	۱	۸
۸	۶	۴	۶	۱	۸	۴	۴	۷
۶	۷	۶	۸	۴	۴	۴	۸	۱
۴	۴	۱	۶	۸	۶	۷	۸	۴
۴	۸	۸	۴	۷	۱	۶	۴	۶